

گنبد‌ها و زیارتگاه‌های قبرستان معلات (معلی) در گذر تاریخ

احمد خامه‌یار^۱

چکیده

«معلات» نام مهم‌ترین قبرستان شهر مکه است که بسیاری از علما و اولیا و حتی حاکمان مسلمان دوره‌های مختلف تاریخی، در آن به خاک سپرده شده‌اند. این قبرستان در دوره‌های اخیر، به جهت وجود قبور و زیارتگاه‌هایی منسوب به شماری از نزدیکان رسول خدا ﷺ و شخصیت‌های مقدس صدر اسلام، به مقصد زیارتی مهمی برای حج‌گزاران و زائران مسلمانان تبدیل شده است. در نوشتار پیش‌رو، به روش استقصای حداکثری و با بهره‌گیری از منابع تاریخی گوناگون همچون تواریخ محلی مکه، سفرنامه‌ها و متون جغرافیایی، تلاش شده است تا ضمن بررسی سیر تاریخی پیدایش گنبد‌ها و زیارتگاه‌های قبرستان معلات، به این سؤال پاسخ داده شود که مهم‌ترین گنبد‌ها و زیارتگاه‌های قبرستان معلات چه بوده و در چه دوره‌هایی به وجود آمده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد در دوره‌های قدیمی‌تر، در این قبرستان مزارات فراوانی برای زهاد و اولیا، و گنبد‌های متعددی نیز بر قبور پادشاهان و حاکمان وجود داشته است؛ اما بیشتر آنها در گذر زمان از بین رفته و در مقابل، در دوره‌های متأخر، زیارتگاه‌هایی منسوب به نزدیکان پیامبر ﷺ و شخصیت‌های مقدس صدر اسلام شکل گرفته است.

کلیدواژه‌ها: مکه مکرمه، حرمین شریفین، قبرستان معلی، زیارتگاه‌های اسلامی، عربستان سعودی.

مقدمه

قبرستان مَعَلات در مکه مکرمه - که نزد زائران سرزمین های مختلف اسلامی به نام های دیگری همچون مُعَلّی، جَنَّةُ الْمُعَلّی، بنی هاشم و ابوطالب شناخته می شود - از دیرباز بزرگ ترین و مهم ترین قبرستان این شهر مقدّس بوده است. با مراجعه به تواریخ محلی مکه و دیگر منابع تاریخی می توان فهرستی مفصل و طولانی از علما و مشاهیر مسلمان از اهل مکه یا از مجاوران حرم الهی استخراج کرد که در مَعَلات به خاک سپرده شده اند.

در بسیاری از سفرنامه ها و متون تاریخی و جغرافیایی از قبور علما و اولیایی که در مَعَلات مورد احترام و زیارتگاه زائران بوده اند و نیز از گنبدهایی که برای شخصیت های مقدس و حتی حاکمان مسلمان ساخته شده بوده، یاد شده است. بر این اساس می توان پی برد که قبرستان مَعَلات، در ردیف شمار دیگری از قبرستان های به جامانده از سده های نخست اسلامی، همچون «بقیع» در مدینه منوره و «باب الصغیر» در شهر دمشق، از اهمیت تاریخی و جایگاه معنوی ویژه ای برخوردار بوده است.

با جست وجو در لابه لای میراث مکتوب اسلامی می توان حتی تک نگاری هایی درباره قبرستان مَعَلات سراغ گرفت. شاید مهم ترین متن موجود، کتاب الشرف الاعلی فی ذکر قبور مقبرة باب المعلا، اثر جمال الدین محمد بن علی شیبی (۷۷۹-۸۳۷ ق.) باشد. شیبی در این کتاب، با بازخوانی گزیده ای از کتیبه های شماری از الواح قبور شخصیت های مدفون در مَعَلات (عمدتاً شامل عالمان و صوفیان و گاه پادشاهان)، شرح حالی درباره آنان به دست داده است. (ر.ک: خامه یار، ۱۳۹۶ش، ص ۱۴۶-۱۵۰)

با آنکه درباره تاریخ شهر مکه و اماکن مقدس آن، به ویژه کعبه و مسجد الحرام، پژوهش های متعددی صورت گرفته و آثار فراوانی نگارش یافته، با این حال درباره قبرستان مَعَلات، به ویژه گنبدها و بناهای موجود در آن در طول تاریخ، پژوهش جامع و قابل توجهی انجام نشده است. از این رو در نوشتار پیش رو، ضمن بررسی تاریخیچه اجمالی مَعَلات و سیر پیدایش گنبدها و زیارتگاه های آن با استناد به منابع موجود،

فهرستی از این گنبد‌ها و زیارتگاه‌ها استخراج، و به اختصار معرفی شده است.

در واقع در این پژوهش تلاش شده است تا به این سؤال پاسخ داده شود که مهم‌ترین گنبد‌ها و زیارتگاه‌های قبرستان مَعَلات متعلق به چه کسانی بوده و در چه زمان‌هایی به وجود آمده است. به دنبال این بررسی، به این سؤال نیز می‌توان پاسخ داد که سیر تحولات قبرستان مَعَلات در دوره‌های تاریخی مختلف، به جهت از بین رفتن و فراموش شدن گنبد‌های قدیمی‌تر و شکل‌گیری زیارتگاه‌های بعدی در آن و پیدایش انتساب‌های جدید این گنبد‌ها و زیارتگاه‌ها، چه بوده است؟

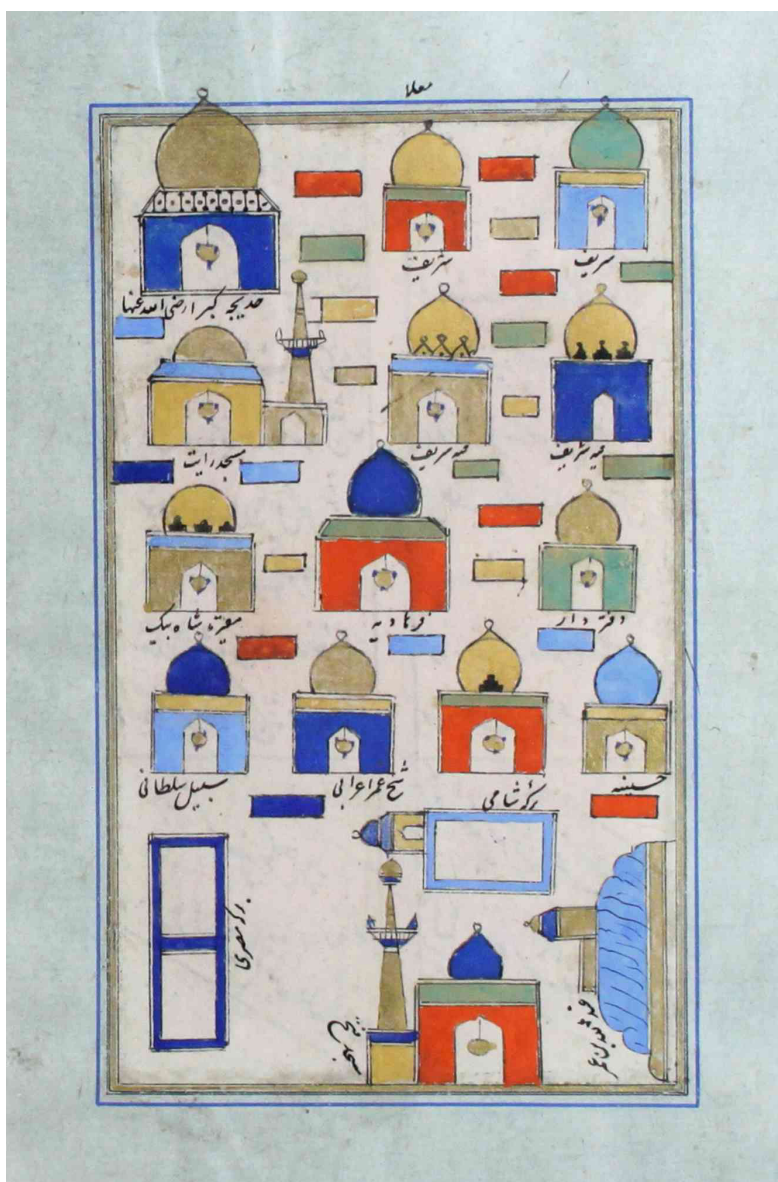
قبرستان مَعَلات

قبرستان تاریخی مَعَلات در شمال شرقی شهر مکه، ابتدای جاده حَجون، سمت راست کسی که از ناحیه «معابد» به سمت مسجدالحرام می‌رود، قرار دارد. این قبرستان نام خود را از واژه جغرافیایی «مَعَلَة» گرفته است که در سده‌های نخست اسلامی، بر بخشی از شهر مکه که بالاتر از مسجدالحرام قرار داشت (در مقابل «مَسْفَلَه» که بخش پایین‌تر از مسجد بود) اطلاق می‌شد. (یاقوت حموی، ۱۹۷۷م، ج ۱، ص ۱۸۷)

در دوره جاهلیت و صدر اسلام، چند مکان مختلف به عنوان قبرستان و محل دفن مردگان در شهر مکه وجود داشت. مهم‌ترین این مکان‌ها «شُعَب ابی دُب» (که بعداً «شُعَب الْجَزَّارِین» نامیده شد)، زمین حد فاصل «حَجون» تا «شُعَب الصُّفَی»، شُعَب متصل به «ثَنِّیَّة المَدَنِیِّین» و نیز قبرستان «ثَنِّیَّة اِذَاخِر» بود. (ازرقی، ۱۹۸۳م، ج ۲، ص ۲۰۹؛ فاکهی، ۱۹۸۷م، ج ۴، ص ۵۴) در تواریخ محلی مکه، محدوده و موقعیت جغرافیایی دقیق هریک از این مکان‌ها به تفکیک تعیین شده است.

از میان قبرستان‌های دوره جاهلیت، «حَجون» به علت آنکه محل دفن شماری از اجداد و اعمام و نزدیکان رسول خدا ﷺ بود، از دیگر مکان‌ها شهرت بیشتری یافت. حَجون در واقع نام کوه مشرف به مسجدالجَنّ یا مسجدالحرس بود که در دامنه آن،

قبرستان جاهلی موسوم به شعب ابی دُبّ (یا شعب الجَزّارین) قرار داشت. (فاکهی، ۱۹۸۷م، ج ۴، ص ۱۴۳) پژوهشگر سعودی، بن دهیش، موقعیت کنونی آن را محله «برحه الرشیدی» می داند. (همان، ص ۵۴)



به گزارش فاکهی، پس از آنکه قُصَی بن کلاب، از اجداد رسول خدا ﷺ، در قبرستان حجون به خاک سپرده شد، به دنبال آن مردم شروع به دفن مردگان خود در آنجا کردند. آنها در دوره جاهلیت و صدر اسلام، مردگان خود را در دو طرف دره‌ای که درون شعب قرار داشت، دفن می‌کردند؛ اما از زمان پیامبر ﷺ، قبرستان خود را از سمت راست دره، به سمت چپ آن منتقل کردند. (همان، ص ۵۸-۵۹) از این گزارش برمی‌آید قبرستان حجون پس از اسلام به مرور زمان متروک شد.

از سوی دیگر، جایی که دفن مردگان در طول دوره اسلامی در آن ادامه یافت و مورخان مکه در سده سوم از آن به عنوان قبرستان اهل مکه یاد کرده‌اند، شعب متصل به ثنیّة المدنیّین بود (ازرقی، ۱۹۸۳م، ج ۲، ص ۲۰۹؛ فاکهی، ۱۹۸۷م، ج ۴، ص ۵۴) که بعدها به نام قبرستان «معلات» شهرت یافت. از این رو با استناد به گزارش‌های فوق، باید توجه داشت قبرستان معلات یا مُعلّای کنونی، در جایی در نقطه مقابل حجون، که در دوره جاهلیت تا پیش از هجرت پیامبر ﷺ، شماری از اجداد و نزدیکان رسول خدا ﷺ آنجا به خاک سپرده شده بودند، قرار دارد.

در اینکه قبرستان دوره اسلامی مکه از چه زمانی به نام معلات شهرت یافت، نمی‌توان نظر دقیقی ارائه داد. از تعبیر مقدسی از این قبرستان به «ثنیّة»، (مقدسی، ۱۹۰۶م، ص ۱۰۲) می‌توان گفت احتمالاً در سده چهارم، هنوز به این نام شناخته نمی‌شده است؛ اما تعبیر شماری از منابع سده ششم از این قبرستان به نام «مُعلّی» (از جمله: ابن مازه، ۱۳۹۲، ص ۱۹۶؛ هروی، ۱۹۵۳م، ص ۸۸) نشان‌دهنده آن است که لااقل از این دوره، این نام برای قبرستان رواج یافته است.

در دوره‌های بعدی، برای این قبرستان نام‌های دیگری همچون «باب‌المعلات» نیز ذکر شده است؛ اما همواره در میراث زبان فارسی، نام «مُعلّی» (از جمله: محیی لاری، ۱۳۶۶، ص ۵۶)، و در میراث حوزه شبه قاره نیز نام «جَنَّةُ الْمُعَلّی» برای این قبرستان به‌کار رفته است. گویا در دوره قاجار، ایرانیان این قبرستان را به نام «قبرستان ابوطالب»

می شناختند؛ اما امروزه دولت سعودی آن را «قبرستان بنی هاشم» نامگذاری کرده است.

زیارتگاه‌های قبرستان معلات در منابع تاریخی و جغرافیایی

در بیشتر سفرنامه‌ها و متون جغرافیایی کهن تا پیش از سده ششم هجری، همچون سفرنامه ناصرخسرو و رساله وصف مکه و مدینه، هیچ اشاره‌ای به این قبرستان نشده است. به نظر می‌رسد سکوت منابع در این باره را باید چنین تفسیر کرد که احتمالاً تا سده شش هجری، هنوز گنبد‌ها و بناهایی روی قبور اولیا و شخصیت‌های مقدس در این قبرستان ساخته نشده بود و این مسئله عاملی بود تا نظر جغرافیدانان و سفرنامه‌نویسان به این قبرستان جلب نشود؛ چنان‌که همین مسئله تا حدود زیادی درباره قبرستان بقیع در مدینه منوره نیز صدق می‌کند.

شاید از میان جغرافی‌نویسان کهن، مقدسی (زنده در ۳۷۸ ق.) نخستین کسی باشد که از قبرستان مکه یاد کرده است. او تنها به وجود قبور سه تن از زاهدان سده دوم هجری به نام‌های فضیل بن عیاض (د. ۱۸۷ ق.)، سفیان بن عُیَینه (د. ۱۹۸ ق.) و وَهَب بن ورد (د. ۱۵۳ ق.) در این قبرستان اشاره کرده است. (مقدسی، ۱۹۰۶ م، ص ۱۰۲) ابوعمید بکری (د. ۴۸۷ ق.) نیز از قبرستان مکه، بدون ارائه توصیف و اشاره به شخصیت‌های مدفون در آن، یاد کرده و محل آن را «شعب عمرو» نامیده است. (بکری، ۱۹۹۲ م، ج ۱، ص ۳۹۹)

به فاصله زمانی کمتر از دو قرن پس از مقدسی، ابن مازه بخاری (د. ۵۶۶ ق.) از قبرستان معلی به عنوان یکی از اماکن زیارتی مکه یاد می‌کند که در آن صحابه و تابعان و علما و اولیای فراوانی به خاک سپرده شده‌اند؛ اما محل قبور بیشتر آنان را ناشناخته می‌داند. وی از میان قبور اولیایی که در آن زمان آشکار بوده، از تربت علی بن فضیل بن عیاض و تربت پدرش نزدیک آن، و تربت سفیان بن عُیَینه و عبدالملک طبری در جوار وی یاد کرده است. (ابن مازه، ۱۳۹۲، ص ۱۹۶-۱۹۷)

ابن جبیر (د. ۶۱۴ ق.) نیز در سفرنامه خود، از معلات به عنوان «جَبَّانه» (قبرستان)

یاد کرده و محل آن را بر حجون تطبیق داده است. به گفته او، این قبرستان محل دفن شماری از صحابه، تابعان، اولیا و صالحان بوده که زیارتگاه‌های آنها از بین رفته و نامشان از خاطر اهل مکه فراموش شده است. ابن جبیر از میان زیارتگاه‌های این قبرستان، تنها به محل به صلیب کشیدن عبدالله بن زبیر به دست حجاج بن یوسف اشاره کرده است. (ابن جبیر، بی تا، ص ۸۷)

علی بن ابی بکر هروی (د. ۶۱۱ ق.) نیز در کتاب خود شماری از شخصیت‌های مدفون در مکه را نام برده است؛ از جمله: قبر ابن زبیر در «معلی»، قبر فضیل بن عیاض و در کنار وی احمد بن علی علبی (بدون اشاره به محل دقیق آن)، قبر سفیان بن عیینه در حجون، و قبور عبدالمطلب جدّ پیامبر ﷺ، حضرت خدیجه و فرزندش قاسم در «جَبّانه». در پایان نیز این قید را افزوده است که بیشتر شخصیت‌های مدفون در مکه، محل قبورشان مشخص نیست. (هروی، ۱۹۵۳ م، ص ۸۸-۸۹)

مقیات حج

مشخص نیست مقصود هروی از «جَبّانه» (قبرستان) دقیقاً کجاست و چرا محل قبر ابن عیینه را در حجون دانسته است؛ در حالی که مقدسی و ابن مازه محل قبر وی را همان جایی که زاهدان دیگر از جمله فضیل بن عیاض دفن شده‌اند، یعنی قبرستان معلات، تعیین کرده‌اند. شاید آشفتگی موجود در سخن هروی ناشی از آن باشد که او دست‌نوشته‌های اصلی خود را از دست داده و متن کتاب موجود را بعداً با اتکا به حافظه خود بازنوشته است.

قاسم بن یوسف تجیبی (د. ۷۳۰ ق.) نیز که در سفر حج خود در سال ۶۹۶ قمری از مکه دیدن کرده، قبور فضیل بن عیاض، سفیان بن عیینه و ابوالقاسم قشیری را در این قبرستان زیارت کرده است. او همچنین از باوری مبنی بر وجود قبر حضرت خدیجه، همسر پیامبر ﷺ، در این قبرستان (بدون اینکه محل قبر وی آشکار و شناخته شده باشد) خبر داده است. (تجیبی، ۱۹۷۵ م، ص ۳۴۰-۳۴۱)

با استناد به توصیف‌های ارائه‌شده، به نظر می‌رسد نخستین شخصیت‌هایی که قبور آنان در این قبرستان مورد توجه مسلمانان بوده، شماری از زاهدان مشهور صدر اسلام، به ویژه زاهدان سده دوم هستند. با این حال ظاهراً تا پایان سده ششم هجری روی قبور این شخصیت‌ها بناهایی وجود نداشته است؛ اما چنان‌که از منابع تاریخی و جغرافیایی دوره‌های بعدی برمی‌آید، پس از این دوره برای شماری از آنان ساختمان و گنبد ساخته شده است.

میان سده هشتم، ابن بطوطه مغربی (د. ۷۷۹ ق.)، جهانگرد مشهور مسلمان، نوشته است که شمار فراوانی از صحابه و تابعان و علما و صالحان و اولیا در این قبرستان به خاک سپرده شده‌اند، ولی زیارتگاه‌هایشان از بین رفته و از یاد اهل مکه فراموش شده است و جز قبور اندکی از آنان شناخته شده نیست. او از میان قبور و مزارات شناخته‌شده این قبرستان، به قبر حضرت خدیجه همسر رسول خدا ﷺ، قبر خلیفه عباسی منصور دوانیقی، و محل به صلیب کشیدن عبدالله بن زبیر اشاره کرده است. (ابن بطوطه، ۱۹۹۲ م، ص ۱۴۲)

محیی لاری در منظومه خود، فتوح الحرمین - که اوایل سده ۱۰ هجری سروده -، از میان زیارتگاه‌های این قبرستان، اماکن زیر را برشمرده است: مشهد ابن عمر، تربت ابن زبیر، مقبره خدیجه، مقبره خواجه فضیل عیاض، تربت سفیان بن عیینه، قبر قشیری، قبر یافعی، قبر شیخ علی کرمانی، قبر شیخ اسماعیل شیروانی و قبر شیخ عمر. (محیی لاری، ص ۷۰-۷۱) البته در برخی از نگاره‌های هنری این قبرستان که در نسخه‌های خطی فتوح الحرمین ترسیم شده، گاه اماکن دیگری جز آنچه در متن منظومه آمده، به تصویر کشیده شده است.

در نیمه دوم سده یازدهم، ابوسالم عیاشی (د. ۱۰۹۰ ق.)، صوفی مغربی، این قبرستان را با نام «حجون» معرفی، و از گنبدهای خدیجه و فضیل بن عیاض و نیز قبر شیخ عمر عربی و محوطه‌ای حاوی قبور شماری از علما همچون امام قشیری و بهاء‌الدین سبکی در آن یاد کرده است. او همچنین به وجود گنبدهای فراوانی متعلق به شرفای مکه در

این قبرستان اشاره کرده که از میان آنها، گنبدی به ابوطالب، عموی پیامبر ﷺ، منسوب است. (عیاشی، ۲۰۰۶م، ج ۲، ص ۳۷۷-۳۷۸)

در سده سیزدهم هجری، محمد بن احمد مالکی مکی معروف به «صباغ»، مورخ مکه، در تحصیل المرام از گنبد های حضرت خدیجه (همسر پیامبر ﷺ) و آمنه (مادر گرامی رسول خدا ﷺ) و مزارات عبدالله بن زبیر، اسماء بنت ابی بکر و عبدالرحمان بن ابی بکر و شماری از علمای مدفون در این قبرستان همچون فضیل بن عیاض یاد کرده است. (صباغ، ۲۰۰۴م، ص ۶۴۱)

همان طور که از گزارش های فوق مشهود است، در منابع تاریخی و جغرافیایی کهن، از گنبدها و زیارتگاه های منسوب به نزدیکان پیامبر ﷺ، همچون عبد مناف و عبدالمطلب (اجداد رسول خدا ﷺ)، ابوطالب (عموی پیامبر ﷺ)، آمنه (مادر آن حضرت) و خدیجه (همسر ایشان)، که در دوره های متأخر تا پایان حاکمیت عثمانی ها بر حرمین در قبرستان معلی وجود داشته، سخنی به میان نیامده است؛ چنان که به گفته تقی الدین فاسی (۸۳۲.د)، مورخ برجسته مکه، قبر هیچ یک از صحابه در این قبرستان به قطع و یقین شناخته شده نیست. (فاسی، ۱۹۹۹م، ج ۱، ص ۵۳۵)

این مسئله، که برخی از پژوهشگران سعودی نیز بر آن تأکید کرده اند، (الجاسر، ۱۴۰۲ق، ص ۱۶۱-۱۷۱) به خوبی نشان می دهد موقعیت قبرستان حجون (محل دفن این بزرگان)، جای دیگری جز قبرستان معلی کنونی است و به علت اینکه متروک شدن آن در صدر اسلام، به مرور از بین رفته و قبور و زیارتگاه های کنونی منسوب به آنان در قبرستان معلی، فاقد اعتبار تاریخی است و در دوره های تاریخی بعدی شکل گرفته است.

تخریب گنبدهای معلات

با پیدایش وهابیت و تأسیس دولت اول سعودی و در پی تصرف حجاز به دست آنان، بسیاری از گنبدها و زیارتگاه های حرمین شریفین تخریب شد. نیروهای وهابی

تحت فرمان پادشاه سعودی، پس از تصرف شهر مکه، گنبد‌های قبرستان معلات و بسیاری دیگر از زیارتگاه‌های مکه مکرمه را تخریب کردند. سال ورود وهابی‌ان به مکه و تخریب گنبد‌های معلات، به اختلاف ۱۲۱۷ یا ۱۲۱۸ قمری گفته شده است. (ابن بشر، ۱۹۸۲م، ج ۱، ص ۲۶۳؛ الغازی، ۲۰۰۹م، ج ۴، ص ۱۷)

مورخان درباره ابعاد و زوایای تخریب نخست گنبد‌های قبرستان معلات، آگاهی چندانی به دست نداده‌اند؛ اما تردیدی نیست که بیشتر این گنبد‌ها به دنبال بازپس‌گیری حجاز و حرمین به دست حکومت عثمانی، احیا و بازسازی شدند. با توجه به اشاره برخی منابع به ساخت دو گنبد خدیجه و آمنه در سال ۱۲۴۲ قمری، (صباغ، ۲۰۰۴م، ص ۶۴۷-۶۴۸) به نظر می‌رسد این تاریخ را باید به عنوان سال بازسازی گنبد‌های تخریب‌شده قبرستان معلات در نظر گرفت.

تخریب دوم گنبد‌های قبرستان معلات، پس از تصرف حجاز به دست دولت سوم سعودی، در دوره حاکمیت بنیانگذار این دولت، ملک عبدالعزیز (حکومت: ۱۳۱۹-۱۳۷۲ق.) رخ داد. سال تخریب گنبد‌های مکه و معلات، ۱۳۴۳ قمری، (الامین، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۹) حدود یک سال پیش از تخریب گنبد‌های قبرستان بقیع و زیارتگاه‌های مدینه منوره (سال ۱۳۴۴ قمری) ثبت شده است.

حبیب‌الله هویدا معروف به عین‌الملک (د. ۱۳۱۶ش.)، از رجال سیاسی اواخر دوره قاجار و دوره پهلوی اول که سال ۱۳۰۴ شمسی به نمایندگی از دولت ایران با هدف بررسی تخریب‌های صورت‌گرفته در حجاز به دست وهابی‌ها به مکه مکرمه اعزام شده بود، در گزارشی مشاهدات خود درباره تخریب گنبد‌های قبرستان مکه را چنین شرح داده است: ... روز بعد برای مشاهده و زیارت مقامات و قبور مهدومه، که در قبرستانی که در منتھالیه یک طرف شهر در دامنه کوهی واقع است، رفتیم. قبر حضرت خدیجه و حضرت آمنه و قبر عبدالرحمان بن ابی‌بکر و قبور سایر ناس که در آن قبرستان بود، وهابی‌ها همه را خراب و مهدوم کرده‌اند.... عمارت و قبه‌های مراقد حضرت خدیجه و

آمنه را که با خاک یکسان کرده‌اند سهل است، قبر حضرت خدیجه را نبش کرده بودند و معلوم بود که دوباره با خاک و گِل پر کرده‌اند. (قاضی عسکر، ۱۳۹۹ ش، ص ۱۹۱-۱۹۲)

۱. زیارتگاه‌های شخصیت‌های مقدس صدر اسلام

در دوره‌های اخیر، قبرستان معلات با زیارتگاه‌های شماری از شخصیت‌های مقدس صدر اسلام همچون حضرت خدیجه، حضرت آمنه، حضرت ابوطالب و حضرت عبدالمطلب پیوند خورده و حتی بدین اعتبار، همچون قبرستان بقیع که به «جَنَّةُ الْبَقِيع» شهرت یافته، این قبرستان نیز به «جَنَّةُ الْمُعَلَّى» مشهور شده است. با این حال، چنان‌که گذشت، در منابع تاریخی و جغرافیایی کهن تا دوره مملوکی، هیچ اشاره‌ای به وجود بیشتر این زیارتگاه‌ها در معلات دیده نمی‌شود؛ حتی تقی الدین فاسی با آنکه زیارت این قبرستان را به جهت دفن بسیاری از صحابه و تابعان و علما در آن مستحب دانسته، با این حال افزوده است که قبر هیچ یک از این صحابه به طور قطع در آن شناخته شده نیست. (فاسی، ۱۹۹۹ م، ج ۱، ص ۵۳۵)

در همین راستا گفتنی است علامه مجلسی (د. ۱۱۱۰ ق.) در کتاب «المزار» از بحار الانوار، جایی که زیارتنامه‌های کسانی همچون ابراهیم فرزند رسول خدا ﷺ، فاطمه بنت اسد و حمزه سیدالشهدا را از منابع کهن نقل کرده، ابراز شگفتی نموده است که چرا با آنکه برای حضرت خدیجه، ابوطالب، عبدالمطلب و عبد مناف قبوری در مکه وجود دارد، اما برای آنها هیچ زیارتنامه‌ای وارد نشده است؟! (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۹۷، ص ۲۲۲) احتمالاً این ابهام را باید چنین پاسخ داد که اساساً در زمان ائمه علیهم‌السلام، مزارهایی برای این حضرات شناخته شده نبوده است. در ادامه به بررسی برخی از این زیارتگاه‌ها می‌پردازیم:

الف) گنبد حضرت خدیجه علیها السلام

در هیچ یک از متون تاریخی پیش از سده هشتم (شامل سفرنامه‌های حج، منابع جغرافیایی، تواریخ محلی مکه و دیگر منابع)، به وجود قبر حضرت خدیجه علیها السلام در

قبرستان معلات مکه اشاره‌ای دیده نمی‌شود. قاسم بن یوسف تجیبی در سفرنامه خود (از سال ۶۹۶ق.) می‌نویسد مردم مکه می‌گویند قبر خدیجه در یک سمت از شعبی است که قبرستان معلات در آن قرار دارد؛ اما در آنجا قبری برای وی دیده نمی‌شود. (تجیبی، ۱۹۷۵م، ص ۳۴۰-۳۴۱)

با این حال گزارشی از سده هشتم هجری، بیانگر پیدایش قبری منسوب به خدیجه بر مبنای خواب و رؤیا در قبرستان معلات در این دوره زمانی است. مرجانی، تاریخ‌نگار مدینه در سده هشتم، در این باره نوشته است:

محل قبر وی (خدیجه) در مکه ناشناخته است؛ اما یکی از صالحان در خواب یا در مکاشفه، قبر خدیجه را در یک طرف شعب، کنار قبر فضیل بن عیاض دیده است. به گفته وی، روی قبر خدیجه لوح مزاری مورخ ۷۴۹ قمری وجود داشته که آن را یکی از شرفای مکه به نام قاسم بن محمد بن ادريس حسنی^۱ نصب کرده بود. (مرجانی، ۲۰۰۲م، ج ۲، ص ۱۰۱۶؛ ابن ضیا، ۲۰۱۱م، ج ۱، ص ۱۵۹-۱۶۰)

اشاره شماری از نویسندگان سده هشتم، همچون ابن بطوطه و شهید اول، به وجود قبر خدیجه در این قبرستان (ابن بطوطه، ص ۱۴۲؛ شهید اول، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۴۶۸) بیانگر شهرت یافتن قبر پس از پیدایش و ساخت آن است. با این حال واضح است قبر خدیجه در نیمه نخست سده هشتم به وجود آمده و تا پیش از این دوره، نشانی از آن وجود نداشته است؛ تا جایی که تقی‌الدین فاسی، که نزدیک به همین دوره می‌زیسته، درباره اصالت قبر خدیجه تردید کرده و گفته است که هیچ خبر قابل اعتمادی درباره آن وجود ندارد. (فاسی، ۱۹۹۹م، ج ۱، ص ۵۳۵)

۱. درباره ماهیت این شخص اطلاعی به دست نیامد. ظاهراً وی باید فرزند شریف محمد بن ادريس بن قتاده حسنی (امارت: ۷۰۱-۷۰۳ق.) باشد. محمد بن ادريس در آغاز سده هشتم، از سوی پادشاه مملوکی مصر به صورت مشترک با شریف ابوالغیث بن ابی‌نعمی حسنی، به امارت مکه گماشته شد؛ اما دیری نپایید که ابوالغیث با اخراج او از شهر، خود را امیر بلامنازع مکه اعلام کرد. (ر.ک: عبدالغنی، ۱۹۹۲م، ص ۵۵۲)

درباره وضعیت مزار خدیجه در دوره مملوکی اطلاعی در دست نیست؛ اما از گزارش قطب الدین نهروالی (د. ۹۸۸ ق.) چنین برمی آید که در آغاز دوره عثمانی، ظاهراً قبر فاقد گنبد بود و روی آن تنها صندوقی چوبی قرار داشت. سپس در سال ۹۵۵ قمری، امیر محمد بن سلیمان، دفتردار مصر در دوره داوود پاشا والی عثمانی مصر، گنبدی از سنگ (شمیسی)..... روی قبر بنا کرد و ضریح چوبی را با پارچه‌های نفیس پوشانید و برای مزار، خادم و بودجه‌ای تعیین نمود. (نهروالی، ۱۳۰۳ ق، ص ۱۹۸)

مزار خدیجه پس از تخریب اول آن در دوره دولت اول سعودی نیز مورد توجه و زیارتگاه بود. به گفته صباغ مالکی (د. ۱۳۲۱ ق.)، گنبد خدیجه سال ۱۲۴۲ قمری بازسازی، و روی قبر وی صندوقی از چوب نصب شد. پارچه سبز روی قبر را نیز مادر عباس پاشا، حاکم مصر، پس از سال ۱۲۶۰ قمری ارسال کرده بود. کنار مزار خدیجه، قبر شریف عبدالمطلب بن غالب (د. ۱۳۰۰ ق.)، از امرای متأخر مکه، قرار داشت و روی آن نیز صندوقی چوبی نصب بود. (صباغ، ۲۰۰۴ م، ص ۶۴۷)

ب) گنبد آمنه، مادر رسول خدا ﷺ

درباره محل قبر آمنه، مادر گرامی رسول خدا ﷺ، در منابع تاریخی دو قول وجود دارد. هرچند بر اساس یکی از این دو قول، آمنه در مکه به خاک سپرده شده، اما روایتی که بیشتر مورخان آن را درست و معتبر دانسته‌اند آن است که آمنه در سفر خود به یثرب (که در این سفر، پیامبر ﷺ کودک خردسالی به همراه مادر بود) در مسیر بازگشت از سفر در محلی به نام «ابواء»، میان مدینه و مکه، از دنیا رفت و همان جا به خاک سپرده شد. (ابن سعد، ۱۹۸۵ م، ج ۱، ص ۱۱۶-۱۱۷؛ بلاذری، ۱۹۹۶ م، ج ۱، ص ۱۰۳-۱۰۴)

گفتنی است در هیچ‌یک از تواریخ محلی مکه تا دوره عثمانی و نیز در توصیف‌های منابع کهن از مزارات قبرستان معلات، به وجود قبر یا گنبدی برای آمنه در قبرستان معلات اشاره‌ای به چشم نمی‌خورد؛ حتی علامه مجلسی که به وجود قبور حضرت خدیجه،

ابوطالب، عبدالمطلب و عبد مناف در مکه اشاره نموده، از قبور والدین رسول خدا ﷺ، آمنه و عبدالله، اظهار بی اطلاعی کرده است. (مجلسی، ۱۹۸۳، ج ۹۷، ص ۲۲۲) ابوسالم عیاشی نیز در توصیف خود از زیارتگاه‌های معلات (که آن را حیجون نامیده) در زمان سفر حج خود در سال ۱۰۷۴ قمری از مزار آمنه نامی نبرده است. (عیاشی، ۲۰۰۶، ج ۲، ص ۳۷۷-۳۷۸)

این مسئله این تصور را به وجود می‌آورد که مزار آمنه در اواخر دوره عثمانی و شاید همچون مزار خدیجه بر اساس خواب و رؤیا به وجود آمده است. با این حال با توجه به گزارش بازسازی گنبد آمنه پس از تخریب اول گنبدهای معلات به دست وهّابی‌ها (۱۲۱۷ یا ۱۲۱۸ ق.)، احتمال می‌رود مزار آمنه پیش از این تخریب وجود داشته است. بر این اساس شاید بتوان سال‌های میانی سده یازدهم را زمان تقریبی پیدایش مزار آمنه تعیین کرد.

طبق گزارش صباغ مالکی، گنبد روی قبر آمنه، با استناد به کتیبه‌ای که روی سردر گنبد وجود داشته، به دست شیخ عیسی، شیخ حرم مکه، در سال ۱۲۴۲ قمری ساخته شده بود. روی قبر نیز صندوق، و روی آن پارچه قرمز رنگی وجود داشت که عباس پاشا، حاکم مصر، به همراه پارچه روی قبر خدیجه، پس از سال ۱۲۶۰ قمری ارسال کرده بود. این پارچه‌ها بعدها با پارچه‌های سبزرنگ نقره‌بافی که مادر اسماعیل پاشا حاکم مصر ارسال کرده بود، تعویض شد. (صباغ، ۲۰۰۴، ص ۶۴۸-۶۴۹)

ج، گنبدهای ابوطالب و عبدالمطلب

دو زیارتگاه منسوب به ابوطالب، پدر گرامی امیرمؤمنان علی علیه السلام و عموی رسول خدا ﷺ، و عبدالمطلب، جد رسول خدا ﷺ، از مشهورترین زیارتگاه‌های قبرستان معلات در دوره‌های اخیر به شمار می‌آید؛ تا جایی که وجود مزار ابوطالب در آن باعث شده حداقل این قبرستان برای ایرانیان به نام «قبرستان ابوطالب» شهرت یابد. با این حال، چنان‌که پیش‌تر گذشت، در منابع تاریخی تا پیش از دوره عثمانی، هیچ اشاره‌ای به وجود چنین زیارتگاهی در قبرستان معلات مکه نیست.

مزارهای منسوب به ابوطالب و عبدالمطلب - چنانکه پیش از این حمد الجاسر، پژوهشگر فقید اهل جزیره العرب نشان داده - در واقع مدفن دو تن از شرفای مکه به نام‌های عبدالمطلب بن حسن ابن ابی نُمَی (د. ۱۰۱۰ ق.) و برادرش ابوطالب بن حسن ابن ابی نُمَی (د. ۱۰۱۲ ق.) است. در منابع تاریخی از مقبره این دو، به نام «گنبد شرفا» یاد، و بعدها با انتساب به ابوطالب و عبدالمطلب، عمو و پدر بزرگ پیامبر، به زیارتگاه تبدیل شده است. (الجاسر، ۱۴۰۲ ق، ص ۱۷۰؛ همو، ۱۳۷۶ ش، ص ۱۱۹)

سنجاری (د. ۱۱۲۵ ق.) مورخ مکه، به درگذشت شریف عبدالمطلب در سال ۱۰۱۰ قمری و دفن وی در گنبد پدرش، شریف حسن بن ابی نُمَی، (سنجاری، ۱۴۱۹ ق، ج ۳، ص ۵۱۹-۵۲۰) و نیز به درگذشت شریف ابوطالب در سال ۱۰۱۲ قمری و دفن وی در قبرستان معلات اشاره کرده و گفته است که مردم قبر وی را زیارت و برای آن نذر می‌کردند و هرکس که به قبر وی پناه می‌برد و مجاورت آن را اختیار می‌کرد، مورد حمایت شرفای مکه قرار می‌گرفت و از گزند و آسیب در امان می‌ماند. (همان، ص ۵۲۳-۵۲۴)

ابوسالم عیاشی نیز در سفرنامه خود نوشته است مردم عوام غریبه (مقصود زائران غیر بومی مکه) «گنبد ابوطالب» را متعلق به ابوطالب، عموی رسول خدا ﷺ، یا ابوطالب مکی می‌پنداشتند؛ اما اهل علم در مکه به او گفته بودند صاحب این گنبد، یکی از امرای متأخر مکه از اشراف آل ابی نُمَی است که ابوطالب نام داشت. وی از آنجا که در زمان حیاتش بسیار شجاع و (مقدام) و (فاتک) بود و همه عرب‌های بادیه‌نشین را به اطاعت خود وامی‌داشت، با گذشت مدت‌ها از مرگش، «زمان ابوطالب» میان عرب‌ها ضرب‌المثل شد؛ و با آنکه بسیار ستمگر و خونخوار بود، اما یکی از اهل شهود و عرفان او را مظهر صفات قهاریت خداوند می‌دانست. پس از مرگ وی کرامات فراوانی از او دیده شد و قبرش به زیارتگاهی معتبر تبدیل گشت. (عیاشی، ۲۰۰۶ م، ج ۲، ص ۳۷۸)

د) صلیب‌گاه عبدالله بن زبیر (مقتول در ۷۳ ق.)

از مهم‌ترین مزارات قبرستان معلات در طول تاریخ، مزار عبدالله بن زبیر (مقتول در ۷۳ ق.) است. این مکان هرچند در بیشتر منابع، به عنوان قبر یا تربت که دفن وی در این نقطه را می‌رساند معرفی شده، (از جمله: هروی، ۱۹۵۳ م، ص ۸۸؛ محیی لاری، بی‌تا، ص ۷۰؛ صباغ، ۲۰۰۴ م، ص ۶۴۹) اما از شمار دیگری از منابع برمی‌آید در واقع محل به صلیب کشیدن ابن زبیر بوده (ابن جبیر، بی‌تا، ص ۸۷؛ ابن بطوطه، ۱۴۱۲ ق، ص ۱۴۲) و گاه حتی از آن با تعبیر «مصلب ابن زبیر» یاد شده است. (شیبی، ۱۴۲۱ ق، ص ۹۸)

درباره وضعیت ساختمان مزار ابن زبیر در دوره‌های مختلف اطلاع روشنی در دست نیست. از سخن ابن بطوطه برمی‌آید که این مزار در دوره مملوکی دارای ساختمان بوده، اما اهالی شهر طائف آن را تخریب کردند؛ چراکه زائران با دیدن آن، حجاج بن یوسف، قاتل ابن زبیر را که از شهر طائف بود لعن می‌کردند (ابن بطوطه، ۱۴۱۲ ق، ص ۱۴۲) صباغ نیز وضعیت آن را در زمان خود (اواخر دوره عثمانی)، محوطه‌ای با دیواره‌ای به ارتفاع قامت انسان توصیف کرده که درون آن سه قبر وجود داشته و مردم، قبر میانی را متعلق به ابن زبیر می‌دانستند. (صباغ، ۲۰۰۴ م، ص ۶۴۹) این محل تا به امروز در قبرستان معلات نشانه‌گذاری شده است.

ه) گنبد اسماء بنت ابی‌بکر

اسماء، دختر خلیفه نخست و مادر عبدالله بن زبیر، از صحابه زن رسول خدا ﷺ است که تا زمان قتل فرزندش، ابن زبیر، زنده بود و چندی پس از آن، در مکه مکرمه از دنیا رفت. (بلاذری، ۱۴۱۷ ق، ج ۱، ص ۱۱) در هیچ یک از منابع تاریخی به محل قبر وی در مکه اشاره نشده است. با این حال در اواخر دوره عثمانی، صباغ قبری برای وی در قبرستان معلات، روبه‌روی مزار فرزندش ابن زبیر از سمت شرق تعیین، و به وجود ساختمانی روی قبر او اشاره کرده است. (صباغ، ۲۰۰۴ م، ص ۶۵۰)

و) گنبد عبدالرحمان بن ابی بکر

عبدالرحمان بن ابی بکر (د. ۵۳ق.)، فرزند خلیفه نخست، از صحابه مدفون در مکه به شمار می‌آید. او در محلی در شش یا دوازده میلی شهر مکه از دنیا رفت و جنازه‌اش را به مکه منتقل و در شهر دفن شد. (بلاذری، ۱۴۱۷ق، ج ۱۰، ص ۱۰۲) با آنکه هیچ یک از منابع تاریخی دوره‌های بعدی، نشانی از قبر وی در مکه به دست نداده‌اند، اما ظاهراً اواخر دوره عثمانی قبر و زیارتگاهی برای وی در قبرستان معلات وجود داشته است که به نظر می‌رسد باید در همین دوره به وجود آمده باشد.

صاحب تحصیل المرام، محل قبر وی را در قبرستان معلات، میان دروازه قبرستان و مزار حضرت خدیجه، در سمت راست کسی که به سمت مزار خدیجه می‌رود، تعیین کرده و گفته است که روی قبر وی تنها یک صندوق چوبی وجود داشت و در دوره سلطان عبدالمجید اول عثمانی (حکومت: ۱۲۵۵-۱۲۷۷ق.) ساختمانی با پلان مربع روی آن ساخته شد. (صباغ، ۲۰۰۴م، ص ۶۵۰) محل قبر عبدالرحمان بن ابی بکر در قبرستان معلات تا به امروز حفظ شده است.

ز) زیارتگاه ابن عمر

به گفته ازرقی، قبر عبدالله بن عمر (د. ۷۴ق.) در قبرستان علیا در ثنیة اذخر در منطقه «حائط خرمان» مکه قرار داشته؛ (ازرقی، ج ۲، ص ۲۰۹-۲۱۱) اما در برخی منابع، از جمله فتوح الحرمین محیی لاری، به وجود مزاری برای وی در معلات اشاره شده است. همچنین در شماری از نگاره‌های قبرستان معلات در نسخه‌های خطی این منظومه نیز قبر ابن عمر تصویر شده که نشان‌دهنده وجود مزاری منسوب به وی در این قبرستان بوده است.

۲. مزارات زهاد و اولیا

الف) سفیان بن عیینه (۱۰۷-۱۹۸ق.)

سفیان بن عیینه از تابعان و محدّثان مشهور سده دوم هجری است که اصالتاً اهل

کوفه، اما بیشتر ساکن مکه بود و در همین شهر نیز از دنیا رفت و در گورستان حجون به خاک سپرده شد. (ابن سعد، ۱۴۰۵ق، ج ۵، ص ۴۹۸) در برخی متون کهن، از وی در شمار اولیای مدفون در قبرستان مکه یاد شده است؛ (از جمله: مقدسی، ۱۹۰۶م، ص ۱۰۲؛ ابن مازه، ۱۳۹۲، ص ۱۹۷) اما در بیشتر منابع تاریخی سده‌های میانی و متأخر، نشانی از قبر وی در قبرستان معلات به چشم نمی‌خورد.

ب) فضیل بن عیاض (د. ۱۸۷ق.) و عبدالله یافعی (د. ۷۶۸ق.)

طبق گزارش شبی، کنار فضیل بن عیاض، فرزند و نوه‌اش، ابوعبیده و عمر بن ابوعبیده نیز مدفون‌اند و هر سه یک سنگ قبر داشتند. قبر یافعی نیز پایین پای قبر فضیل بن عیاض قرار داشت. (شبی، ۱۴۲۱ق، ص.....) سراینده فتوح الحرمین نیز به وجود «مقبره خواجه فضیل عیاض» و قبر یافعی در قبرستان معلی اشاره کرده است. (محبی لاری، ص ۷۰-۷۱)

ج) قشیری

شماری از نویسندگان از قبر امام قشیری در قبرستان معلات یاد کرده‌اند. (تجیبی، ۱۹۷۵م، ص ۲۴۱-۲۴۲؛ محبی لاری، ص ۷۱؛ عیاشی، ۲۰۰۶م، ج ۲، ص ۳۷۸) هرچند نام امام قشیری ممکن است در وهله اول شخصیت عبدالکریم بن هوازن قشیری (د. ۴۶۵ق.)، صوفی مشهور سده پنجم و صاحب رساله قشیری (از متون کهن تصوّف) را در ذهن تداعی کند، (چنان‌که تجیبی و عیاشی نیز از وجود قبر وی در مکه اظهار شگفتی کرده‌اند)، اما در واقع با استناد به کتیبه سنگ قبر وی که شبی متن آن را بازخوانی کرده، ظاهراً قشیری مدفون در معلات در واقع عبدالرحمان بن عبدالکریم بن هوازن قشیری (د. ۴۸۲ق.)، فرزند قشیری معروف (صاحب رساله قشیری) است. (ر.ک: شبی، ۱۴۲۱ق، ص.....)

د) عبدالملک طبری

عبدالملک طبری، از زاهدان مشهور زمان خود بود که نزدیک به چهل سال از عمر

خود را در مکه به عبادت و ریاضت سپری کرد. مورخان از وی به «شیخ الحرم» یاد، و کراماتی برایش نقل کرده‌اند. ذهبی وی را از درگذشتگان دهه ۵۲۰ تا ۵۳۰ قمری، (ذهبی، ۲۰۰۳م، ج ۱۱، ص ۵۲۱) و ابن مازه بخاری او را از اولیای مدفون در قبرستان مکه می‌داند و برایش فضائل و کراماتی نقل کرده است. (ابن مازه، ۱۳۹۲، ص ۱۹۶-۱۹۷)^۱

هـ) شیخ علی شولی (د. ۶۴۴ق.)

در شماری از تواریخ محلی مکه به مقبره شولی در قبرستان معلات اشاره شده است. (از جمله: فاسی، ۱۹۸۵م، ج ۲، ص ۷۵ و ج ۵، ص ۴۶۸؛ ابن فهد مکی، ۲۰۰۰م، ج ۱، ص ۲۴۰، ۲۹۸ و ج ۲، ص ۷۳۰ و ۸۰۲) مورخان مکه نام او را علی بن ابی‌الکرم شولی، و وی را شاگرد علی بن ادريس دانسته‌اند. برخی از علمای مکه، قبر شولی را در شمار قبور و مزارات معلات که دعا نزد آنان مستجاب است ذکر کرده‌اند. (فاسی، ۱۹۸۵م، ج ۶، ص ۲۲۳-۲۲۴)

شیبی از وی به نام علی بن مکرم شولی یاد کرده و درباره قبر وی نوشته است:

... له عند اهل مكة شهرة عظيمة، ولقبره عندهم مكانة مكينة جسيمة، إن قلت: إنه من أشهر قبور المعلا يقصد بالزيارة إن لم يكن أشهرها فما بالغت. وإنما قلت: إن له عندهم من المنزلة ما ليس هو لغيره من أمثاله فما جاوزت.

او همچنین به وجود سنگ درازی در پایین قبر وی اشاره کرده است که هرکس بدان تبرک جوید و از خداوند قضای حوائج خود را طلب کند، برایش برکت می‌آورد. (شیبی، ۱۴۲۱ق، ص ۱۰۸)

۱. ابن مازه در شرح حال عبدالملک طبری نوشته است: «او از جمله علما بوده است؛ چون که مجاور گشته است، سیرتی ورزیده است که هیچ‌کس ستودان آن طاقت نیارد و بیرون مکه کازه‌ای درست کرده بوده است عبادت را، و پاره‌ای پلاس بر میان بسته و چندین سال سر و پا و تن برهنه بباشید. و حکایت کرده‌اند که پوست بر تن وی، چون پوست درخت شده بوده است از درشتی هوا و آفتاب حجاز، و از کس چیزی نگرفته است و هفته‌ای یک بار به حرم درآمده است و طواف کرده و مسجد را از انداخته کیوتران بروفته و اهل مکه از وی کرامات بسیار نقل کنند».

گفتنی است قطب‌الدین عبدالحق بن ابراهیم مُرسی معروف به «ابن سبعین» (د. ۶۶۹ ق.)، عارف و فیلسوف مشهور اندلس در سده هفتم هجری، نزدیک قبر شولی به خاک سپرده شده بود و گویا قبر وی تا پیش از آنکه لوح مزارش به دست یکی از علمای ساکن مکه از جا کنده شود، مورد توجه برخی از حج‌گزاران و زائران غیر بومی قرار داشت. (فاسی، ۱۹۸۵، ج ۵، ص ۳۳۵)

و) شیخ عمر عَرابی (د. ۸۲۷ ق.)

محبی لاری در شمار مزارات اولیا در قبرستان معلی، از شخصی به نام «شیخ عمر مرشد اعرابیان» یاد کرده است. (محبی لاری، ص ۷۰) ظاهراً شخص مورد نظری، عمر بن محمد بن مسعود بن ابراهیم نَشَاوِری یمنی معروف به عَرابی (د. ۸۲۷ ق.) است که نزدیک بیست سال مجاور حرم الهی در مکه بود و در زمان حیاتش مورد توجه مردم این شهر قرار داشت؛ تا جایی که شریف حسن بن عجلان (امارت: ۷۹۷-۸۲۹ ق.)، امیر مکه، به وی اعتقاد داشت و به دیدارش می‌رفت. (فاسی، ج ۶، ص ۳۶۰-۳۶۱)

ابوسالم عیّاشی نیز از قبر «عمر عربی» به عنوان یکی از مزارات مکه یاد کرده و وی را از ائمه اهل طریقت و اقطاب و اولیای مشهور نزد اهالی مکه و اعراب بادیه‌نشین برشمرده است که هم اهل مکه و هم اهل بادیه، وی را صدامی زدند و به نام وی حاجت می‌طلبیدند. او از جایگاه و منزلت بالایی نزد آنان برخوردار بود. (عیّاشی، ۲۰۰۶، ج ۲، ص ۳۷۸)

ز) علاءالدین کرمانی

محبی لاری از تربت «شیخ علاءالحق کرمانی» در شمار مزارات این قبرستان یاد کرده است. (محبی لاری، ص ۷۰) در منابع تاریخی، شخصی بدین نام شناخته نشد؛ اما به فرض یکی بودن لقب علاءالحق و علاءالدین، ممکن است مقصود از این شخص، شیخ علاءالدین علی کرمانی نقشبندی باشد که سال ۹۲۹ قمری در مکه از دنیا رفت و قبر وی محل زیارت و تبرک مردم بود. برای وی از منظومه‌ای یاد کرده‌اند که در مقابل

مثنوی معنوی سروده بود. (کاتب چلبی، ۲۰۱۰م، ج ۲، ص ۴۰۶) احتمال دیگر و ضعیف‌تر آنکه این مزار متعلق به عبدالعزیز کرمانی (د. ۷۴۰ق.)، از صالحان مقیم مکه است که در معلات به خاک سپرده شده و برای وی کراماتی نقل کرده‌اند. (فاسی، ج ۵، ص ۴۶۸)

۳. گنبدها و مقبره‌های حاکمان و پادشاهان

در منابع تاریخی، گزارش‌های متعددی دفن برخی پادشاهان، حاکمان و شاهزادگان در قبرستان معلات و ساخت گنبد و مقبره روی قبور آنان وجود دارد. برخی پادشاهان و شاهزادگان مدفون در این قبرستان، گاه در حوزه‌های جغرافیایی دیگری حکومت داشتند که پس از مرگ، پیکر آنان به مکه مکرمه انتقال یافت و در معلات به خاک سپرده شده؛ اما بیشتر گزارش‌ها متعلق به شرفای مکه است که حد فاصل سده‌های پنجم تا چهاردهم، از سوی پادشاهان معاصر خود (ایوبیان، مملوکان و پادشاهان عثمانی) به عنوان والی مکه بر این شهر امارت می‌کردند و معمولاً پس از مرگ، در معلات دفن می‌شدند. برخی از آنها عبارت‌اند از:

الف) گنبدهای شرفای مکه

مورخان مکه در دوره عثمانی، به دفن شماری از شرفای مکه در قبرستان معلات و ساخت گنبدهایی برای آنها اشاره کرده‌اند. از میان شرفایی که در تواریخ محلی مکه به ساخت گنبدهایی برای آنان در این قبرستان اشاره شده است، می‌توان از این شخصیت‌ها یاد کرد: شریف عجلان بن رُمیثه بن ابی نُمی، (فاسی، ۱۹۸۵م، ج ۶، ص ۷۰) شریف احمد بن عجلان (د. ۷۸۸ق.)، (فاسی، ج ۳، ص ۹۶) شریف برکات بن حسن بن عجلان (د. ۸۵۹ق.)، (سنجاری، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۵۸) شریف محمد بن برکات (د. ۹۰۳ق.)، (همان، ص ۹۸) شریف برکات بن محمد بن برکات (د. ۹۳۱ق.)، (همان، ص ۲۴۳) شریف ابی نُمی بن برکات (د. ۹۹۲ق.)، (همان، ص ۳۷۲) شریف حسن بن ابی نُمی بن برکات (د. ۱۰۰۸ق.) و فرزندانش شریف عبدالمطلب (د. ۱۰۱۰ق.) و شریف ابوطالب (د. ۱۰۱۲ق.)

با وجود این گزارش‌ها، مشخص نیست نخستین بار روی قبر کدام یک از شرفای مکه در قبرستان معلات گنبد ساخته شده، و به طور کلی چند مقبره متعلق به شرفا در این قبرستان وجود داشته است. همچنین منابع تاریخی آگاهی‌هایی درباره وضعیت این مقبره‌ها در دوره‌های بعدی به دست نمی‌دهند و به این سؤال‌ها پاسخ روشنی نمی‌دهند که آیا مقبره‌های قدیمی‌تر به مرور زمان به طور کامل از بین رفته یا آنکه شرفای بعدی در مقابر قبلی دفن شده‌اند و این مقابر شرفای قبلی به آنها منسوب گشته است.

با استناد به عکس‌های قدیمی موجود از قبرستان معلات پیش از تأسیس دولت سعودی، به نظر می‌رسد بیشتر گنبد‌های شرفای مکه در این دوره از بین رفت و اثری از آنها باقی نماند و از میان آنها تنها دو مقبره شریف عبدالمطلب و شریف ابوطالب - به جهت آنکه به حضرت عبدالمطلب، جدّ رسول خدا ﷺ، و حضرت ابوطالب، عموی آن حضرت ﷺ، انتساب یافته و به زیارتگاهی برای زائران و حج‌گزاران تبدیل شده بود - فرصت حفظ شدن تا پایان دوره عثمانی را یافت.

این احتمال وجود دارد که برخی از گنبد‌های شرفا در دوره‌های متأخر، در محل گنبد‌های قدیمی‌تر شکل گرفته است. هرچند برای این احتمال شواهد قطعی وجود ندارد، اما به عنوان یک قرینه می‌توان به این نکته اشاره کرد که بنا بر یادداشتی از سده یازدهم هجری در حاشیه نسخه خطی شماره ۲۹۱۱ در کتابخانه مدرسه سپهسالار تهران، در مزار ابوطالب لوح قبری کهن متعلق به یکی از شرفای مکه به نام امیر مفرّج بن حسین بن فُلّیته حسنی (د. ۵۸۶ ق.) وجود داشته است (واثقی، ۱۳۹۵ ش، ص ۱۲۵) که نشان می‌دهد گنبد ابوطالب در محل دفن یکی از شرفای قدیمی‌تر مکه ساخته شده است.

ب) گنبد ملک المسعود (د. ۶۲۶ ق.)

ملک المسعود فرزند ملک الکامل محمد بن ملک العادل ابوبکر، آخرین پادشاه ایوبی

یمن بود که با مرگ وی سلطه ایوبیان بر مکه و یمن به پایان رسید و بنی رسول یا رسولیان، بر یمن چیره گشتند. نام او «آقسیس» (یا به روایتی، آتسز) بود. او در نوزده سالگی ارتش اعزامی از سوی پدر و پدر بزرگ خود به قصد فتح مکه و یمن را فرماندهی کرد و موفق به فتح این سرزمین ها شد. مورخان از وی و سیره اش به نیکی یاد نکرده اند و گفته اند او با تاجران و حتی شرفای مکه بد رفتاری می کرد و بدون رعایت حرمت مکه، در این شهر مرتکب گناه و معصیت می شد و حتی از شرب خمر ابایی نداشت. (ذهبی، ۲۰۰۳م، ج ۱۳، ص ۸۲۸-۸۲۹)

مقبره ملک المسعود در معلات قرار داشت و تقی الدین فاسی از گنبد وی در این قبرستان یاد کرده است. (فاسی، ۱۹۹۹م، ج ۱، ص ۵۳۵؛ همو، ۱۹۸۵م، ج ۶، ص ۲۲۳) عزالدین ابن فهد مکی (د. ۹۲۲ق.) نیز شماری از رجال و مشاهیر مدفون در نزدیکی این گنبد را نام برده است. (ابن فهد مکی، ۲۰۰۵م، ج ۱، ص ۶۳۱ و ج ۲، ص ۷۴۱ و ج ۳، ص ۱۹۸۷)

ج) گنبد میرزا شاه بیگ (د. ۹۲۸ق.)

میرزا شاه بیگ، پسر امیر ذوالنون ارغون، حاکم قندهار در اوایل سده دهم هجری و از امرای خاندان «ارغون» بود. این خاندان سلسله ای محلی از نسل پادشاه ایلخانی ارغون خان بودند که در دو سده نهم و دهم (تا سال ۹۶۲ق.) بر قندهار و سند حکومت می کردند. (علاء الدینی، ۱۳۷۷ش، ج ۷، ص ۶۴۱-۶۴۲) شاه بیگ پیش از به امارت رسیدن، در هرات با علما دوستی و همنشینی داشت و شروحنی نیز بر برخی از آثار ادبی و منطقی نگاشته بود؛ از جمله: شرح کافی، حاشیه شرح مطالع و حاشیه شرح فرائض میرسید شریف جرجانی. (بکری، ۱۳۵۷ق، ص ۱۲۸)

شاه بیگ پس از قتل پدرش در سال ۹۱۳ قمری، جانشین وی گردید و قندهار را مرکز حکومت خود قرار داد؛ اما در جریان منازعات میان پادشاهان این دوره، قلمرو وی میان شاه اسماعیل و بابر شاه تقسیم شد و قندهار نیز به دست بابر سقوط کرد. از این رو قصد سرزمین های جنوبی سند و تسخیر شهر تهته (تته) کرد. (علاء الدینی، ۱۳۷۷ش،

ج ۷، ص ۶۴۲) او سرانجام در ۲۲ شعبان ۹۲۸ قمری از دنیا رفت. محمد معصوم بکری (د. ۱۱۰۹ق.) درباره محل دفن وی نوشته است: «... نعش ایشان را به بهکر ارسال داشتند و بعد از سه سال تابوت شاه بیگ را به مکه فرستادند و در جثة المعلى دفن نموده، عمارت عالی ساختند». (بکری، ۱۳۵۷ق، ص ۱۲۷)

گفتنی است در نگاره‌ای از قبرستان معلات در نسخه خطی فتوح الحرمین محیی لاری که به قلم ویسی هروی در سال ۹۷۹ قمری در مکه مکرمه کتابت شده و به شماره ۳۳۲۴ در گنجینه ایاصوفیا در کتابخانه سلیمانیه استانبول نگهداری می‌شود، گنبدی به عنوان «مقبره شاه بیگ» ترسیم شده که نشان دهنده وجود مقبره وی در معلات است.

د) گنبد میرزا کامران (د. ۹۶۴ق.)

میرزا محمد کامران، فرزند باب‌الرشاه (مؤسس سلسله گورکانیان هند) است که چند سال پایانی عمر خود را در مکه سپری کرد و سال ۹۶۴ قمری در این شهر از دنیا رفت. (کابلی، ۱۳۹۲، ص ۴۹۰) در نگاره‌های قبرستان معلات در دو نسخه خطی فتوح الحرمین محیی لاری در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۲۵۳۶ و کتابخانه بریتانیا به شماره Or. ۳۴۳ (هر دو بی‌کا و بی‌تا)، گنبد میرزا کامران ترسیم شده است که نشان می‌دهد او در معلات به خاک سپرده شده و بر قبر وی گنبدی ساخته شده است.

نتیجه‌گیری

قبرستان معلات، قبرستان تاریخی کهن به جامانده از سده‌های نخست اسلامی در شهر مکه (مقدس‌ترین شهر مسلمانان) است که حداقل از سده دوم هجری تا زمان حال، قبور بزرگان و مشاهیر فراوانی را در خود جای داده است. در منابع تاریخی، از وجود گنبدها، مقبره‌ها و زیارتگاه‌های متعددی در این قبرستان یاد شده که به طور عمده متعلق به زهاد و اولیا، حاکمان و پادشاهان و شخصیت‌های مقدس صدر اسلام، به ویژه نزدیکان رسول خدا ﷺ است.

با توجه به مدارک و منابع موجود می‌توان سیر پیدایش و تحولات زیارتگاه‌ها و مقبره‌های موجود در این قبرستان را در دوره‌های تاریخی مختلف چنین تشریح کرد که در فاصله سده‌های نخست تا میانی، زیارتگاه‌های معلات عمدتاً شامل قبور زهاد و اولیای مشهور (همچون سفیان بن عیینه، فضیل بن عیاض، عبدالملک طبری و شیخ علی شولی) بود. در فاصله سده‌های میانی تا دوره عثمانی، گنبدها و مقبره‌های فراوانی برای پادشاهان و حاکمان ساخته شد که عمدتاً متعلق به شرفای مکه و گاه حاکمان خاندان‌های حکومتگر دیگر (همچون ملک‌المسعود، آخرین پادشاه ایوبی یمن) بود و حتی پیکر برخی از حاکمان (همچون میرزاشاه‌بیگ و میرزا کامران) از سرزمین‌های اسلامی دیگر به مکه انتقال یافت و در معلات به خاک سپرده شد.

به دنبال پیدایش مزار منسوب به حضرت خدیجه، همسر پیامبر ﷺ، در سده هشتم و سپس ساخت گنبدی برای آن در سده دهم، به تدریج زیارتگاه‌های دیگری برای نزدیکان رسول خدا ﷺ همچون حضرت آمنه (مادر ایشان)، حضرت ابوطالب و عبدالمطلب (عمو و جد آن حضرت) (که این دو مزار در اصل مدفن دو تن از شرفای مکه است) و حتی کسانی همچون اسماء و عبدالرحمان، فرزندان ابوبکر، در قبرستان معلات به وجود آمد.

به نظر می‌رسد به موازات گسترش مزارات منسوب به نزدیکان پیامبر ﷺ در دوره عثمانی، از توجه به مزارات اصیل و قدیمی‌تر قبرستان که عمدتاً منسوب به زهاد و عرفا بود، کاسته شد و موجبات فراموشی بیشتر آنها فراهم آمد؛ تا جایی که در دوره میان تخریب اول و دوم قبرستان (پیش از تشکیل دولت سوم سعودی)، بیشتر گنبدهای موجود در قبرستان شامل مزارات منسوب به شماری از نزدیکان پیامبر ﷺ و شخصیت‌های صدر اسلام بود. این مسئله باعث شهرت قبرستان به نام‌های دیگری همچون بنی‌هاشم و ابوطالب شد.

منابع

١. ابن بشر، عثمان بن عبدالله نجدى حنبلى (١٤٠٢ق./١٩٨٢م.)، عنوان المجد فى تاريخ نجد، تحقيق عبدالرحمان بن عبداللطيف بن عبدالله آل الشيخ، الرياض، دار الملك عبدالعزيز، الطبعة الرابعة.
٢. ابن بطوطه، محمد بن عبدالله (١٤١٢ق./١٩٩٢م.)، رحلة ابن بطوطه، بيروت، دار صادر.
٣. ابن جبير، محمد بن احمد (بى تا)، رحلة ابن جبير، بيروت، دار صادر.
٤. ابن سعد، محمد بن سعد (١٤٠٥ق./١٩٨٥م.)، الطبقات الكبرى، بيروت، دار بيروت.
٥. ابن ضياء، محمد بن احمد (١٤٣٢ق./٢٠١١م.)، البحر العميق فى مناسك المعتمر والحاج الى البيت العتيق، تحقيق عبدالله نذير احمد عبدالرحمان مزى، مكة المكرمة، المكتبة المكية ومؤسسة الريان، الطبعة الثانية.
٦. ابن فهد مكي، عبدالعزيز بن نجم الدين (١٤٢٥ق./٢٠٠٥م.)، بلوغ القرى فى ذيل اتحاف الورى، تحقيق صلاح الدين بن خليل ابراهيم و عبدالرحمن بن حسين ابوالخير و عليان بن عبدالعالى المحلبدى، مصر، دارالقاهرة.
٧. ابن مازه، محمد بن عمر (١٣٩٢)، لطائف الاذكار للحُضَار والسُّفَار، تصحيح رسول جعفریان، تهران، نشر علم، چاپ اول.
٨. ازرقى، محمد بن عبدالله (١٤٠٣ق./١٩٨٣م.)، اخبار مكة وما جاء فيها من الآثار، تحقيق رُشدى الصالح ملحس، مكة المكرمة، مطابع دارالثقافة، الطبعة الرابعة.
٩. الامين، سيد محسن (بى تا)، كشف الارتياح فى اتباع محمد بن عبدالوهاب، بى جا، الطبعة الثالثة.
١٠. البكرى، عبدالله بن عبدالعزيز (١٩٩٢م.)، المسالك والممالك، تحقيق ادريان فان ليوفن و اندرى فيرى، الدار العربية للكتاب.
١١. بكرى، محمد معصوم (١٣٥٧ق./١٩٣٨م.)، تاريخ سند المعروف به تاريخ معصومى، تصحيح عمر بن محمد داؤدپوته، بمبئى، مطبعة قيمه.
١٢. بلاذرى، احمد بن يحيى (١٤١٧ق./١٩٩٦م.)، جمل من انساب الاشراف، تحقيق سهيل زكار و رياض زركلى، بيروت، دارالفكر.
١٣. تجيبى، قاسم بن يوسف (١٩٧٥م.)، مستفاد الرحلة والاغتراب، تونس، الدار العربية للكتاب.
١٤. ابن فهد مكي، جارالله (١٤٢٠ق./٢٠٠٠م.)، نيل المُنَى بذيل بلوغ القرى لتكملة اتحاف القرى،

- تحقیق محمد الحبيب الهيلة، مؤسسة الفرقان للتراث الاسلامی، الطبعة الاول.
۱۵. الجاسر، حمد (۱۴۰۲ق.)، «الآثار الاسلامية في مكة المشرفة»، العرب، سنة ۱۷، جزء ۳ و ۴.
 ۱۶. -----، (۱۳۷۶ش.)، «محل ولادت رسول خدا ﷺ»، ترجمه رسول جعفریان، میقات حج، ش ۲۱.
 ۱۷. جعفریان، رسول (۱۳۹۰ش.)، آثار اسلامی مکه و مدینه، تهران، نشر مشعر، چاپ چهاردهم.
 ۱۸. خامه یار، احمد (۱۳۹۶ش.)، «الشرف الاعلى في ذكر قبور مقبرة باب المعلا»، آینه پژوهش، ش ۱۶۳.
 ۱۹. خیرخواه علوی، سید علی (۱۳۹۵ش.)، «جَنَّةُ الْمَعْلَاةِ»، دانشنامه حج و حرمین شریفین، تهران، مشعر.
 ۲۰. ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد بن عثمان (۱۴۲۴ق./۲۰۰۳م.)، تاریخ الاسلام ووفیات المشاهیر والاعلام، تحقیق بشّار عوّاد معروف، بیروت، دارالغرب الاسلامی.
 ۲۱. سنجاری، علی بن تاج الدین (۱۴۱۹ق./۱۹۹۸م.)، منائح الکرم فی اخبار مکّة والبيت وولادة الحرم، تحقیق ماجدة فیصل زکریا، مكة المكرمة، جامعة ام القرى.
 ۲۲. شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۷ق.)، الدروس الشرعية فی فقه الامامية، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، الطبعة الثانية.
 ۲۳. شیبی، محمد بن علی عبدری (۱۴۲۱ق./۲۰۰۰م.)، الشرف الاعلى في ذكر قبور مقبرة باب المعلا، تحقیق منصور بن صالح ابوزّیاس، مكة المكرمة.
 ۲۴. صَبَّاح، محمد بن احمد (۱۴۲۴ق./۲۰۰۴م.)، تحصيل المرام فی اخبار البيت الحرام والمشاعر العظام ومكة والحرم وولاتها الفخام، تحقیق عبدالملك بن عبدالله بن دهيش، مكة المكرمة، (المحقق)، الطبعة الاول.
 ۲۵. عبدالغنى، عارف (۱۴۱۳ق./۱۹۹۲م.)، تاريخ امراء مکّة المكرمة، دمشق، دار البشائر، الطبعة الاول.
 ۲۶. علاء الدینی، علیرضا (۱۳۷۷ش.)، «ارغون، خاندان»، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
 ۲۷. عیّاشی، عبدالله بن محمد (۲۰۰۶م.)، الرحلة العیّاشیة، تحقیق، سعید الفاضلی و سلیمان القرشی، ابوظبی، دارالسويدی.
 ۲۸. الغازی، عبدالله بن محمد (۱۴۳۰ق./۲۰۰۹م.)، افادة الانام بذكر اخبار بلد الله الحرام، تحقیق، عبدالملك بن عبدالله بن دهيش، مكة المكرمة، مكتبة الاسدى، الطبعة الاول.
 ۲۹. فاسی، تقی الدین محمد بن احمد (۱۹۹۹م.)، شفاء الغرام بأخبار البلد الحرام، تحقیق مصطفی

- محمد الذهبي، مكة، مكتبة ومطبعة النهضة الحديثة، الطبعة الثانية.
۳۰. -----، (۱۴۰۶ق./۱۹۸۶م.)، العقد الثمين في تاريخ البلد الامين، تحقيق محمد حامد الفقي، بيروت، مؤسسة الرسالة، الطبعة الثانية.
۳۱. فاكهي، محمد بن اسحاق (۱۴۰۷ق./۱۹۸۷م.)، اخبار مكة في قديم الدهر وحديثه، تحقيق عبد الملك بن عبد الله بن دهيش، مكة المكرمة، مكتبة ومطبعة النهضة الحديثة، الطبعة الاولى.
۳۲. قاضي عسکر، سيد علي (۱۳۹۹ش.)، غربت بقیع، تهران، نشر مشعر.
۳۳. قائدان، اصغر (۱۴۰۰ش.)، تاريخ و آثار اسلامي مکه مکرمه و مدينه منوره، تهران، نشر مشعر.
۳۴. کابلی، عبدالله (۱۳۹۲)، تذکرة التواريخ، تصحيح عليرضا قوجه زاده، تهران، کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی و سفیر اردهال، چاپ اول.
۳۵. کاتب چلبی، مصطفى بن عبدالله (۲۰۱۰م.)، سلم الوصول الى طبقات الفحول، تحقيق محمود الارناؤوط، استانبول، مركز الابحاث للتاريخ والفنون والثقافة الاسلامية.
۳۶. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق./۱۹۸۳م.)، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، بيروت، مؤسسة الوفاء، چاپ دوم.
۳۷. محیی لاری (۱۳۶۶ش.)، فتوح الحرمین، تصحيح على محدث، تهران، اطلاعات، چاپ اول.
۳۸. -----، (۹۷۹ق.)، فتوح الحرمین، نسخه خطی گنجینه ایاصوفیا در کتابخانه سلیمانیة (استانبول) به شماره ۳۳۲۴.
۳۹. -----، (بی تا)، فتوح الحرمین، نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی (تهران) به ش ۲۵۳۶.
۴۰. -----، (بی تا)، فتوح الحرمین، نسخه خطی کتابخانه بریتانیا (لندن) به شماره Or ۳۴۳.
۴۱. مرجانی، عقیف الدین عبدالله بن عبد الملك (۲۰۰۲م.)، بهجة النفوس والاسرار فی تاریخ دار هجرة النبی المختار، تحقیق محمد عبد الوهاب فضل، بیروت، دار الغرب الاسلامی، الطبعة الاولى.
۴۲. مقدسی، محمد بن احمد (۱۹۰۶م.)، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، لیدن، بریل.
۴۳. نهروالی، محمد بن احمد (۱۳۰۳ق.)، الإعلام بأعلام بیت الله الحرام، مصر، المطبعة العامرة العثمانیه.
۴۴. واثقی، حسین (۱۳۹۵ش.)، «از اینجا و آنجا»، میقات حج، شماره ۹۵.
۴۵. هروی، علی بن ابی بکر (۱۹۵۳م.)، الاشارات الى معرفة الزیارات، تحقیق جانین سوردیل طومین، دمشق، المعهد الفرنسي للدراسات العربية، الطبعة الاولى.
۴۶. یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله (۱۳۹۷ق./۱۹۷۷م.)، معجم البلدان، بیروت، دار صادر.